سدغ عداد عادش

وجه نزعتان

۱۷۳۴

یا مبدئ البرایا و معیدها بعد فنائها بعد ذلتها

[illegible]

سجده خواندن فتح در سنه ... [illegible]

حمل و ثور	جوزا و سرطان	اسد و سنبله	میزان و عقرب
[illegible]	با تند	[illegible]	[illegible]
[illegible]		با ثبات	[illegible]

قوس و جدی	دلو و حوت
[illegible]	[illegible]

[illegible]

آداب نماز شب

وقت نماز شب از اول نصف شب است تا طلوع فجر
صادق و تقدیم این نماز بر نصف شب جایز نیست
مگر در حق مسافری که مظنون او باشد عدم تمکن از
اتیان بنماز شب بعد از نصف شب که جایز است
از برای او اتیان بر نماز قبل از نصف شب و همچنین
جایز است قبل از نصف شب چه پیر باشد یا جوان
زمستان باشد یا تابستان در سفر یا در حضر در
حق کسی که مظنه عدم تمکن داشته باشد در وقت آن
باعث غلبه نوم و همچنین هرگاه مظنه جنابت داشته
باشد در وقت و تمکن از غسل نباشد اگرچه در حضر باشد
جایز است اتیان قبل از نصف شب چه تمکن از تیمم باشد

العشرة المبشرة علی زعم العامة
هم ابوبکر و عمر و عثمان و طلحة و
عبدالرحمن بن عوف و سعد بن
ابی وقاص و ابوعبیدة بن الجراح
و سعید بن زید بن عمرو بن نفیل
و زبیر بن العوام و امیرالمؤمنین
علیه السلام

یا نباشد اینها در صورت مظنه عدم تمکن است
از اصل نماز شب در وقت آن و اما با اعتقاد تمکن
در وقت لکن نه بر وجه کمال مثل آنکه مراد است اتیان
اتیان بنماز شب در اول شب قائما و بقبله یا آنکه
اتیان بان نماید بعد از نصف شب در محمل در بین راه
نشسته یا بر روی چاروا ظاهر آنست که جایز نیست
تقدیم بر آنکه در صورت تقدیم نماز شب بعد از غروب
آفتاب یا میان اتیان بنماز شب نماید بلکه بعد از نماز مغرب
و عشا لازم است که بوده باشد و هرگاه کسی از اشخاص مذکوره
در اول شب اتیان بنماز شب نماید اتیان باو در آخر شب
با تمکن از آن میتواند نمود و در صورت تقدیم عدم

[illegible]

ممکن از آن در وقتش ظاهر نیست که ادا بوده باشد
و جواز تقدیم مشروط باعتقاد عدم ممکن از قضا نیست
ولکن ظاهر است که قضا افضل از تقدیم است و بعد از
طلوع فجر صادق قبل از اتیان بفریضه اتیان باین نماز
جایز نیست مگر در صورتیکه چهار رکعت این نماز را کرده
باشد باعتقاد سعه وقت نسبت بمجموع نماز شب پس فجر
طالع شود در این صورت جایز است اتیان به بقیه نماز شب
قبل از فریضه و اما هر گاه عدم سعه وقت را نسبت
بمجموع نماز اعتقاد داشته باشد اگرچه بعنوان اختصار
باشد در چنین صورتی اتیان به نماز شفع و وتر نماید و هشت
رکعت را بعد از نماز صبح قضا نماید هر گاه کسی باعتقاد

سعه

[illegible]

[illegible]

سعه وقت بر تمام نماز شب نماز را شروع کرد و قبل
از اتمام طلوع فجر شد پس اگر بعد از اتیان بچهار
رکعت است خواه مشغول بنماز شب بوده یا نه مثل اینکه
چهار رکعت را بجا آورده و تتمه را بجهة خوابیدن یا مطالعه
کردن یا شغل دیگر تاخیر نمود که بعد اتیان نماید و وقتی
مطلع شد که صبح طالع شده جایز است تمام کند قبل از نماز
صبح ظاهر این است که لازم نیست در این صورت اقتصار
بحمد تنها کند مگر اینکه آن چهار رکعت را بحمد تنها اقتصار
کرده باشد بجهة اعتقاد بعدم وسعت وقت مگر مقدار
یازده رکعتی که در آنها اقتصار شود بحمد تنها در این صورت
لازم است اقتصار در باقی بحمد تنها و اگر قبل از اتیان

[illegible]

بچهار رکعت بوده باشد مثل اینکه در رکعت سیم یا چهارم
است که صبح طالع شدن دو رکعتی را که در این است
تمام کند و ترک نماز شب کند و بعد از اتیان بنافله
صبح و نماز صبح قضا خواهد نمود و همچنین است
حال کسی که معتقد اتساع وقت و عدم اتساع هیچیک نبوده
باشد پس در حق این شخص جایز است که شروع در نماز شب
نماید و حکم طلوع فجر در این نسبت باین شخص همان حکم
معتقد باتساع است و هرگاه کسی معتقد است که بمقدار
باقی از شب کفایه همه نماز شب را میکند ظاهر است
که شروع بنماز شب بطریق معهود میتواند نمود اگر چه
معتقد این باشد که چهار رکعت قبل از صبح اتیان

میتواند

میتواند نمود بلکه در این صورت عدول نماید از نماز شب
بشفع و وتر و هرگاه مکلف باعتبار مظنه ضیق وقت اتیان
بنماز شفع و وتر نمود بعد مشخص شد که وقت باقی کفایت همه
نماز شب را میکند ظاهر است که اتیان بشفع و وتر بعد از
اتیان بهشت رکعه نماز شب ضرور نبوده باشد بلکه جواز
اعاده آن محل تامل است

در بیان کیفیت نماز شب

بدانکه نماز شب یازده رکعه است با دو رکعت شفع و یک رکعه
وتر و دو رکعت اول افضل است که در هر رکعتی بعد
از حمد سی مرتبه قل هو الله احد بخواند و قصر است که در رکعه
اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون بخواند
و در رکعت دویم بعد از حمد سوره قل هو الله احد بخواند

لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم ولا انتم عابدون ما اعبد لکم دینکم ولی دین

[illegible]

وشش رکعت دیگر را اگر تواند تا این سوره مطوله نماید
والا بهر سوره که خواهد بعد از حمد تلاوت نماید و مستحب است
بعد از فراغ از سوره توحید در هر نماز که باشد بگوید
كَذٰلِكَ اللهُ رَبِّي و سنت است بعد از فراغ از
هر دو رکعت از این هشت رکعت این دعا را بخواند
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ وَلَمْ يُسْئَلْ مِثْلُكَ
ای خدایا بدرستی که من سؤال میکنم ترا و سؤال کرده نمیشود مثل تو
اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْئَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهى
توئی موضع سؤال سؤال کنندگان و منتهای
رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ اَدْعُوكَ وَلَمْ يُدْعَ
رغبت رغبت دارندگان میخوانم ترا و خوانده نمیشود

مثلك

[illegible]

مِثْلُكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ اِلى
مثل تو و رغبت دارم بسوی تو و رغبت داشته نمیشود بسوی
مِثْلِكَ وَاَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ
مثل تو و توئی که اجابت کننده دعای اشخاص مضطرو
وَاَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اَسْئَلُكَ بِاَفْضَلِ
و رحم کننده ترین رحم کنندگان سؤال میکنم ترا ببهترین
الْمَسَائِلِ وَاَنْجَحِهَا وَاَعْظَمِهَا يَا اَللهُ
مسئلهای رستگارترین آنها و بزرگترین آنها ای خدا
يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنٰى وَ
ای بخشنده روزی ای مهربان و بحق اسمهای نیکوی تو و
اَمْثَالِكَ الْعُلْيَا وَنِعَمِكَ الَّتِي لَا
و مثلهای بلند تو و نعمتهای الخ

تحصى

يحصى وباكرم اسمائك عليك و
که شماره ندارد و بکرامیترین نامهای تو بر تو
احبها اليك واقربها منك وسيلة
و دوست ترین آنها بسوی تو و نزدیکترین آنها از جهة وسیلة
واشرفها عندك منزلة واجزلها
و شریف ترین آنها در نزد تو از جهة منزلة و عظیم ترین آنها
لديك واسرعها في الامور اجابة و ثوابا
در نزد تو و سریع ترین آنها در امرها از جهة اجابت و از جهة ثواب
باسمائك المكنون الاكبر الاعز
بنامهای تو که پوشیده است و بزرگ است و عزیز است
الاجل الاعظم الاكرم الذي تحبه
و جلیل است و عظیم است و کریم است که دوست میداری او را

وتهواه وترضى به عمن دعاك وبكل
و خواهش داری او را و خشنود میشوی از کسی که بخواند ترا و بهر اسم
اسم هو لك في التورية والانجيل و
که آن اسم از برای تست در توریة و انجیل و
الزبور والفرقان العظيم وبكل اسم
زبور و فرقان بزرگ و بهر اسم
دعاك به حملة عرشك وملائكتك
که خواندند ترا حاملین عرش تو و ملکهای تو
وانبيائك ورسلك واهل طاعتك
و انبیاء تو و رسولهای تو و اهل طاعت تو
من خلقك ان تصلي على محمد وال محمد
از مخلوق تو اینکه صلوات بفرستی بر محمد و آل محمد

روزیکه رهرو کوی اثر نبود بر لوح وجود نقش اغیار نبود

وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَتُعَجِّلَ خِزْيَ
و اینکه زود گردانی فرج ولی خود و زود گردانی رسوائی
أَعْدَائِهِ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا بعوض کذا مطلب خود را ذکر کند
دشمنان او و اینکه بکنی بمن چنین و چنان

و مستحب است بعد از فراغ از رکعت دویم و رکعت هشتم
تسبیح سیدة النسا پس شروع بنماز شفع نماید و در هر رکعت بعد
از فراغ از قرائت حمد سورهٔ توحید بخواند و در رکعت
ثانیه مثل سایر نمازها بعد از قرائت و قبل از رکوع قنوت
مستحب است و قول بعدم جواز قنوت در نماز
شفع ضعیف است و بعد از فراغ از آن نماز سنت است
که این دعا بخواند

الهی

معشوق و عاشقان بهم می‌بودند در گوشهٔ خلوتی که دیار نبود

إِلٰهِي تَعَرَّضَ لَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ
خداوندا روآورند ترا در این شب
الْمُتَعَرِّضُونَ وَقَصَدَكَ فِيهِ الْقَاصِدُونَ
روآورندگان و قصد کنند ترا در این شب قصدکنندگان
وَأَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ الطَّالِبُونَ
و امید دارند فضل ترا و احسان و خوبی ترا طلب کنندگان
وَلَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ نَفَحَاتٌ وَجَوَائِزُ
و از برای تست در این شب صله‌ها و بخششها
وَعَطَايَا وَمَوَاهِبُ تَمُنُّ بِهَا عَلَى مَنْ
و عطیه‌ها و مهربانیها منت گذاری بآنها بر کسی
تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ وَتَمْنَعُهَا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ
میخواهی از بندگان خود و منع میکنی آنها را بسوی کسی که پیش نگرفته است

وها انا ذا

له العناية منك وها أنذا عبدك

و اينم بنده تو اورعنايت تو

الفقير إليك المؤمّل فضلك و

که محتاجم بسوی تو و آرزومندم فضل ترا و

معروفك فإن كنت يا مولاي تفضّلت

نيكي ترا پس اگر است اى آقاى من تفضل ميکنی

في هذه الليلة على أحد من خلقك

در اين شب بر احدى از خلق خود

عطفك

وعدت عليه بعائدة من عفوك

وفايده داده بر او بفايده از بخشش خود

فصلّ على محمّد وآله الطيّبين الطاهرين

پس رحمت بفرست بر محمد و آل او كه طيب و طاهرند

الخيرين

الخيّرين الفاضلين وجد على بطولك

و خوبان و فضلا و اند و بخشش بکن بفضل خود

ومعروفك يا ربّ العالمين وصلّى

و احسان خود ای پروردگار عالميان و رحمت

الله على محمّد خاتم النبيّين وآله

خدا بر محمد كه خاتم انبياست و آل او

الطاهرين الذين أذهبت عنهم

که پاکند اجنان آنکه برده از ایشان

الرجس وطهّرتهم تطهيرا إنّك حميد

پلیدی را و پاک کرده ایشانرا پاکی بدرستی که تو حمید کرده شده

مجيد اللهمّ إنّي أدعوك كما أمرتني

و مجید و بزرگ خداوندا میخوانم ترا چنانکه فرموده مرا

فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ
پس مستجاب کن دعای مرا چنانچه وعده کرده و تو خلاف نمیکنی
الْمِيعَادَ پس شروع نماید بنماز وتر و افتتاح ان
وعده خود
نماید بتکبیرات افتتاحیه و ادعیه معهوده و اگر بخواهد
اقتصار نماید به نیت و تکبیرة الاحرام بعد از فراغ
از قرائت فاتحة الکتاب سه مرتبه سورۀ توحید بخواند
و بعد از فراغ از هر مرتبه کذلک الله ربی مناسب است
و اگر اقتصار بیکمرتبه نماید بعد از فراغ از مرتبه سیم یا که
نیت و بعد از ان سورۀ قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس بخواند و مناسب است که
بعد از ان که گفت قل اعوذ برب الفلق بگوید اعوذ

برب

برب الفلق و همچنین بعد از ان که گفت قل اعوذ
برب الناس بگوید اعوذ برب الناس و چون سوره
را اتمام نماید بعد از ان شروع نماید بقنوت و تطویل
در قنوت در جمیع صلوة خصوصا در قنوت نماز شب
لاسیما در قنوت وتر مطلوب و مرغوب است و هر دعا که
خواهد میتواند خواند و بهترین ادعیه مناجات های
وارده از ائمه اطهار است خصوصا ادعیه صحیفه کامله و
سایر مناجاتهای ان مفخر اهل عبادت است قنوت وتر
لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا
نیست الهی مگر خدای بردبار کریم نیست
اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ
الهی مگر خدای بلند مرتبه عظیم منزه است از عیب

اللهِ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ

خدایا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار

الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا

زمینهای هفتگانه است و آنچیزهائی که در ایشانست

بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اللّٰهُمَّ

و در میان ایشانست و پروردگار عرش عظیم است خداوندا

اَنْتَ اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ

تو ای خدایا روشنی آسمانها و زمین و

اَنْتَ اللّٰهُ زَيْنُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ

تو ای خدایا که زینت آسمانها و زمین

وَاَنْتَ اللّٰهُ جَمَالُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ

و تو ای خدایا زینت آسمانها و زمین

انت

وَاَنْتَ اللّٰهُ عِمَادُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ

و تو ای خدائی که ستون آسمانها و زمین

وَاَنْتَ اللّٰهُ قِوَامُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ

و تو ای خدایی که قوام و امر آسمانها و زمین است

وَاَنْتَ اللّٰهُ صَرِيخُ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَاَنْتَ

و تو ای خدایی که بفریاد میرسی اشخاصی را که طلب فریاد رسی میکنند

اللّٰهُ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ وَاَنْتَ اللّٰهُ

تو ای خدایا یاری میکنی اشخاصی را که طلب یاری میکنند و تو ای خدا

الْمُفَرِّجُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ وَاَنْتَ اللّٰهُ

ای فرج میدهی غمناکان را و تو ای خدایا

الْمُرَوِّحُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ وَاَنْتَ اللّٰهُ

که خوشحالی دهی اشخاصی را که غم دارند و تو ای خدایا

مجيب دعوة المضطرين وانت الله

که جواب دهی خواندن مضطرها را و توی خدای

اله العالمين وانت الله الرحمن الرحيم

که اله عالمیانی و توی خدای رحمن و رحیم

وانت الله بك تنزل كل حاجة يا الله

و توی خدای که بتو نازل میشود هر حاجت ای خدا

ليس يرد غضبك الا حلمك ولا

نیست که رد کند غضب ترا مگر حلم تو و نیست

ينجي منك الا التضرع اليك فهب

که نجات دهد از غضب تو مگر زاری کردن بسوی تو پس بخش

لي من لدنك يا الهي رحمة تغنيني

از برای من از نزد خود ای خدا رحمتی را که بی نیاز کند مرا

كاشف السوء وانت الله

ولا ينجي من عقابك الا رحمتك

بها

بها عن رحمة من سواك بالقدرة

از رحمت از سوای تو بقدرت

التي بها احييت جميع ما في البلاد

آنچنان که بان قدرت زنده کرده ای همه آنچه در شهرهاست

وبها تنشر ميت العباد ولا تهلكني

و بان رحمت بر میانگیزانی مردگان بندگان و هلاک مکن مرا

غما حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني

از غم تا بیامرزی مرا و رحم کنی مرا و بشناسانی مرا

الاجابة في دعائي وارزقني العافية

اجابت کردن را در دعای من و روزی کن مرا عافیت

الى منتهى اجلي واقلني عثرتي ولا

تا باخر عمر من و درگذر از لغزش من

وَلَا تُشمِتْ بِي عَدُوِّي وَلَا تُمَكِّنْهُ

و بر زن شر منیدا زمرا بدشمن من و قدرت مده او را

مِنْ رَقَبَتِي اَللّٰهُمَّ اِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ

بگردن من خدا وندا اگر بلند کنی مرا پس کیست

ذَا الَّذِي يَضَعُنِي وَاِنْ وَضَعْتَنِي

آنکسی که پست کند مرا و اگر پست کنی مرا

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي وَاِنْ اَهْلَكْتَنِي

پس کیست که بلند کند مرا و اگر هلاک کنی مرا

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ

پس کیست که حایل و مانع شود بین من و بین تو

اَوْ يَتَعَرَّضُ لَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ اَمْرِي وَ

یا متعرض شود ترا در چیزی از امر من و

قَدْ عَلِمْتُ اَنْ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ

بتحقیق که دانستم اینکه نیست در حکم تو ظلم

وَلَا فِي نَقِمَتِكَ عَجَلَةٌ وَاِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ

و نه در عقاب تو تعجیل و بدرستی که تعجیل میکند کسی

يَخَافُ الْفَوْتَ وَاِنَّمَا يَحْتَاجُ اِلَى

که میترسد فوت را و بدرستی که محتاج است بسوی

الظُّلْمِ الضَّعِيفُ وَقَدْ تَعَالَيْتَ عَنْ

ظلم کسی که ناتوان باشد از چیزی و تو بلند مرتبه تری از آن

ذٰلِكَ يَا اِلٰهِي فَلَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ

آن ای خدای من پس قرار مده مرا از برای بلا

غَرَضًا وَلَا لِنَقِمَتِكَ نَصَبًا وَمَهِّلْنِي

نشانه و نه از برای عذاب خود نشانه و مهلت ده مرا

وَنَفِّسْنِي وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي وَلَا تَبْتَلِنِي

وگشایش ده مرا و کم کن لغزش مرا و ممتحن مگردان مرا

بِبَلَاءٍ عَلَى إِثْرِ بَلَاءٍ فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي

بلاء بر عقب بلاء پس بتحقیق میبینی ضعف مرا

وَقِلَّةَ حِيلَتِي أَسْتَعِيذُ بِكَ اللَّيْلَةَ

وکمی چاره مرا پناه میاورم بتو این شب را

فَأَعِذْنِي وَأَسْتَجِيرُ بِكَ مِنَ النَّارِ

پس پناه ده مرا و طلب خلاصی میکنم بتو از آتش

فَأَجِرْنِي وَأَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ فَلَا تَحْرِمْنِي

خلاص کن مرا و سؤال میکنم ترا بهشت محروم مساز مرا

پس دعا کن بهر چه دوست میداری و استغفار کن هفتاد
مرتبه و اداب قنوت وتر سه چیز است اول دعا

در حق چهل نفر مؤمن است از برادران دینی
خواه همه مرده باشند یا همه زنده یا مشترک و هرگاه در
حق زن در این قنوت دعا نماید لکن آنها را از عدد
چهل حساب ننماید باکی نیست و ظاهر اینست که موقوف
بر این نیست که چهل نفر عادل باشند بلکه اگر همه فاسق
باشند یا بعضی عادل و بعضی فاسق کفایت مینماید
در تأدیه سنت مخفی نماناد که امتثال موقوف نیست
بر این که دعا بجهت غفران ذنوب بوده باشد بلکه در
سعه رزق نیز میشود و در حق همه یا در حق بعضی در سعه رزق
و در حق بعضی غفران ذنوب دعا و بهتر از آن سه امر
استغفار است پس مناسب اینست که بعد از فراغ
از دعا در حق چهل نفر هفتاد مرتبه استغفار

نماید خواه بلفظ استغفر الله ربی و اتوب الیه بگوید یا
باسقاط ربی یا باسقاط لفظ جلاله یا بگوید استغفر الله
و اسئله التوبة یا جمع نماید ما بین اثنین یا ثلثه یا اربعه
باین طریق که اول بیست دفعه بگوید استغفر الله ربی و اتوب
الیه و بقیه هفتاد را تمام نماید به طریق دیگر مثلا
و اگر هفتاد مرتبه بگوید اللهم اغفر لی ذنوبی خالی
نیست که امتثال بعمل آمده باشد و از جمله آداب این استغفار
انست که دست چپ الحمد نگه دارد و بدست
راست ضبط عدد استغفار نماید و بعد از فراغ
از هفتاد مرتبه مستحب است که هفت مرتبه بگوید
هذا مقام العائذ بك من النار و بعد از ان
اینمقام آنچنان کسی است که پناه میبرد بتو از آتش
هفت مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا
طلب آمرزش میکنم خدا را که نیست
اله

لا اله الا هو الحی القیوم لجمیع ظلمی
الهی بر حق کمران که زنده است پایدار زنده است مر همه ظلم
و جرمی و اسرافی علی نفسی و اتوب
و جرمی که کرده ام و اسراف بر نفس خود و بازگشت میکنم
الیه بعد از ان بگوید رب اسأت و ظلمت
بسوی او پروردگارا بد کردم و ظلم کردم
نفسی و بئس ما صنعت و هذه یدای
بنفس خود و بد است آنچه کردم و این دو دست من
یا رب جزاء بما کسبت و هذه رقبتی
ای پروردگار جزا آنچه کرده ام و این گردن منست
خاضعة لما اتیت و ها انا ذا
فروتنی مینماید از برای آنچه کرده ام و این منم
بین یدیك
در پیش روی تو

فَخُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي الرِّضَا
بگیر از برای خود از من خوشنودی
حَتَّى تَرْضَى لَكَ الْعُتْبَى لَا أَعُودُ
تا خوشنود شوی ترا آنچه در بر میکردم
سیم از آن سه امر است که بعد از فراغ از
استغفار سیصد مرتبه بگوید العفو خواه بنصب
واو یا برفع آن و در صورتیکه جمع نماید مابین هرسه
ایشان کرده خواهد بود با فضل فرد او و در
صورت اقتصار بر دو ظاهر است که جمع مابین
دعا در حق چهل نفر و هفتاد مرتبه استغفار
افضل باشد از دو تای دیگر و در صورت اقتصار

عتبی بمعنی رضاست

بیک

بیکی دور نیست که اقتصار بهفتاد مرتبه استغفار
بهتر از اقتصار بهر یک از دو تای دیگر باشد مگر در
صورتیکه دعا در حق چهل نفر طلب مغفرت ذنوب
آنها باشد در این صورت دور نیست که دعا در حق
چهل نفر اولی خواهد بود و بعد از فراغ از قنوت
برکوع رفته و بعد از رفع راس از رکوع مستحب است
که این دعا را بخواند هَذَا مَقَامُ مَنْ حَسَنَاتُهُ
اینمقام کسی است که حسنات او
نِعْمَةٌ مِنْكَ وَشُكْرُهُ ضَعِيفٌ وَذَنْبُهُ
نعمتهاست از تو و شکر او ضعیف است و گناه او
عَظِيمٌ وَلَيْسَ لِذَلِكَ إِلَّا رِفْقُكَ وَ
بزرگست و نیست این گناه مگر بجهة مدارا کردن تو

رحمتك فإنك قلت في كتابك
رحمت تو پس بدرستی که تو فرمودهٔ در کتاب خود
المنزل على نبيك المرسل صلى
که فرستادهٔ بر نبی خود و فرستاده شده است رحمت
الله عليه وآله كانوا قليلاً من
خدا بر او و آل او بدرستیکه کمی از
الليل ما يهجعون وبالأسحار هم
شب را میخوابیدند و در اوقات سحر
يستغفرون طال هجوعي وقل
طلب آمرزش میکنند دراز شد خواب من و کم شد
قيامي وهذا السحر وأنا أستغفرك
ایستادن من و این سحر است و من طلب آمرزش میکنم

لذنوبي استغفار من لا يجد
از جهة گناهان خود آمرزش کسی که نیابد
لنفسه ضراً ولا نفعاً ولا موتاً ولا
از برای نفس خود ضرری و نه نفعی و نه مرگی و نه
حيوة ولا نشوراً بعد از ان بسجود رفته
زنده گانی و نه دوباره زنده شدنی
رکعت اتمام بخواند و بعد از اتمام این دعا بخواند
أناجيك يا موجود في كل مكان
مناجات میکنم ترا ای موجود در همه مکان
لعلك تسمع ندائي فقد عظم
امید دارم که بشنوی ندا مرا پس بتحقیق بزرگ است
جرمي وقل حيائي مولاي يا مولاي
گناه من و کم است حیاء من آه من آه من

أيّ الأهوال أتذكّر وأيّها أنسى و

کدام ترس را فریاد و بخاطر داشته باشم و کدام را فراموش کنم و

لو لم يكن إلّا الموت لكفى كيف و

اگر نبود مگر مرگ تنها هر آینه کفایت میکرد

ما بعد الموت أعظم وأدهى مولاي

آنچه بعد از مرگ است بزرگتر است و وحشت آن بیشتر است ای آقای من

يا مولاي حتّى متى وإلى متى أقول

ای آقای من تا چه زمان و تا کی و تا چند بگویم

لك العتبى مرّة بعد أخرى ثمّ

از برای تست رضا مرتبه بعد از مرتبه دیگر پس

لا تجد عندي صدقا ولا وفاء

نمی یابی نزد من راستی و نه وفا

فيا غوثاه ثمّ وا غوثاه بك يا الله

پس طلب فریاد رسی میکنیم پس طلب فریاد رسی میکنیم بتو ای خدا

من هوى قد غلبني ومن عدوّ قد

از خواهش های نفس که غالب شده اند مرا و از دشمنی که

استكلب عليّ ومن دنيا قد تزيّنت

هار گشته مانند سگ بر من و از دنیا که بتحقیق زینت داده خود را

لي ومن نفس أمّارة بالسوء إلّا ما رحم

از برای من و از نفس اماره یعنی بسیار امر کننده به بدی مگر آنچه رحم کند

ربّي مولاي يا مولاي إن كنت رحمت

پروردگار من ای آقای من ای آقای من اگر بوده است تو که رحم کنی

مثلي فارحمني وإن كنت قبلت

مثل مرا پس رحم کن مرا و اگر هست قبول کننده تو

مِثلی فاقبلنی یا قابل السّحرة اقبلنی

مثل مرا پس قبول کن مرا ای قبول کننده ساحران قبول کن مرا

یا من لم اعرف منه الّا الحسنی یا من

ای کسی که نشناخته ام از او نیکوئی را ای کسی

ازل

تغذّینی بالنّعم صباحاً ومساءً

که غذا میدهی مرا بنعمتها صبح و شام

ارحمنی یوم آتیک فرداً شاخصاً

رحم کن مرا روزی بیایم ترا تنها نگاه کننده

الیک بصری متقلّداً عملی وقد

مقلّداً د

بسوی تو دیدهٔ من در حالتی که قلاده شده عمل من بتحقیق

تبرّأ جمیع الخلائق منّی نعم وابی

که بیزار شوند جمیع خلایق از من بله پدرم (وبتحقیق)

وامّی ومن کان له کدّی فان لم

و مادر من و کسی که بوده کد او سعی میکنند آنها نیز خود را پس اگر

ترحمنی فمن یرحمنی ومن یؤنسنی فی

رحم نکنی مرا پس کیست که رحم کند مرا و کیست که مونس شود در

القبر وحشتی ومن ینطق لسانی اذا

قبر وحشت مرا و کیست که گویا گرداند زبان مرا هنگامی

خلوت بعملی وسألتنی عمّا انت

خلوت کنم بعمل من و سؤال کنی تو مرا از آن چیزی که تو

اعلم به منّی فان قلت نعم فاین المهرب

داناتری باو از من پس اگر بگویم بله پس کجاست گریزگاه

من عدلك وان قلت لم افعل قلت

از عدل تو و اگر بگویم نکرده ام میگویم

الملك في تمليك الله

الكذا الشاهد عليك فعفوك عفوك
المراكن

أن تلبس الأبدان
عفوك قبل سرابيل القطران عفوك

عفوك يا مولاى قبل أن تغل الأيدى
از آنكه ... پيش از آنكه غل سازى دستهارا

إلى الأعناق يا أرحم الراحمين
بسوى گردن

ويا خير الغافرين

شرح دعای عبرات

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و
الصلوة علی الدعاة الی
الله الملك الحق المبین و
عترته الطاهرین و بعد
چون فرمان لازم الاذعان
اشرف اقدس ارفع اعلی
عز صدور یافت که احقر
داعیان دوام دولت
ابد مدت سید محمد بن محمد

صالح الحسینی دعای مشهور
بدعای عبرات را تصحیح
ومقابله و ترجمه نماید لهذا
امتثالا لامره الاعلی بان
امر مبادرت نموده بعرض
معتکفان سده سنیه
والامر سانند که سید الاجل
الافضل العلامة رضی
الملة والدین جمال العارفین
ابو القاسم علی بن موسی بن

جعفر بن محمّد بن محمّد الطاوس
الحسینی العلوی الفاطمی
قدّس الله روحه و نوّر ضریحه
در کتاب مهج الدّعوات
میگوید که برادر نسبی داشتم
اسم او قاضی محمد اوی بود بن
حکایت کرد که او را حادثه
بزرگ واقع شده بود روزی
در میان کتابهای خود دعائی
دید که قبل از آن او را نبود

دار

و از انجا نسخه بر داشته بعد
ازان باز اصل این دعا را طلب
کرده پیدا نشده بود من
نیز در نسخه کهنه یافتم این دعا را
امّا هر دو نسخه کم و زیادتی بود
و این دعا را دعای عبرات نامست

دعای عبرات اینست

بسم الله الرحمن الرحیم
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشنده مهربان
اللّهمّ انّی اسئلک یا راحم
خداوند اسئل میکنم ترا ای رحم کننده

العبرات ويا كاشف الكربات

اشکهای چشم و ای برطرف کننده اندوهها

انت الذي تقشع سحاب

تو آن که پراکنده میکنی ابرهای

المحن وقد امست ثقالا

محنتها را و بتحقیق گردیده از آنها سنگین

وتجلو ضباب الاحن و

و میگشائی ابرهای سیاه کینه ها را

قد سحبت اذيالا وتجعل

و بتحقیق پوشیده است دامنهای آنها را و میگردانی تو

ذرعها

ذرعها هشيما وبنيانها

زراعت آن را گیاه خشکیده و بنای آن را

هديما وعظامها رميما و

خراب و استخوانهای آن را پوسیده

ترد المغلوب غالبا والمطلوب

برمیگردانی تو مغلوب را غالب و مطلوب را طالب

طالبا والمقهور قاهرا و

و خشم کرده شده را خشم کننده و

المقدور عليه قادرا

و قدرت جسته شده بر او را قدرت دارنده

الهی فکم من عبد ناداك

خدایا پس چه بسیار بنده که خواند ترا

انی مغلوب فانتصر ففتحت

که من مغلوبم پس یاری کن پس گشودی تو

له من نصرك ابواب السما

از برای او از یاری خود درهای آسمان را

بماء منهمر وفجرت له من

به آب ریخته شده و جاری کردی تو برای او از

عونك عيونا فالتقى ماء

یاری خود چشمه ها پس رسید آب

فرجه على امر قد قدر و

نجات او بر امری که بتحقیق تقدیر شده و

حملته من كفايتك على

برداشتی او را از کفایت خود بر

ذات الواح ودسر يارب

کشتی صاحب تخته ها و میخها ای پروردگار من

انی مغلوب فانتصر يا

که من مغلوبم پس یاری کن ای

رب انی مغلوب فانتصر

پروردگار من که من مغلوبم پس یاری کن

يا ربِّ إنّي مغلوبٌ فانتصرِ

اى پروردگار من بدرستى كه من مغلوبم پس يارى كن

يا ربِّ فصلِّ على محمّدٍ وآلِ

اى پروردگار من پس رحمت بفرست بر محمد و آل

محمّدٍ وافتح لي من نصرك أبوابَ

محمد و بگشاى از براى من از يارى خود درهاى

السّماءِ بماءٍ منهمرٍ وفجِّر لي

آسمان را بآب ريخته شده و جارى كن از براى من

من عونك عيونًا ليلتقي

از يارى خود چشمه‌ها را تا آنكه برسد

ماءُ فرجي على أمرٍ قد قُدِر

آب نجات من بر امرى كه بتحقيق مقدر شده

واحملني يا ربِّ من كفايتك

و بار كن مرا اى پروردگار من از حفظ خود مرا

على ذاتِ ألواحٍ ودُسُرِ

بر كشتى صاحب تخته‌ها و ميخها

يا من إذا ولجَ العبدُ في

اى آنكه چون داخل شود بنده در

ليلٍ من حيرته يهيمُ ولم

شب از حيرت خود متحير باشد

يَجِدُ لَهُ صَرِيخًا يُصْرِخُهُ مِنْ

و نیابد فریادرسی را که بفریاد او رسد از

وَلِيٍّ وَلَا حَمِيمٍ وَجَدَ يَا رَبِّ مِنْ

دوستی و نه خویشی یافت ای پروردگار من از

مَعُونَتِكَ صَرِيخًا مُعِينًا وَ

یاری تو فریادرسی یاری دهنده و

وَلِيًّا يَطْلُبُهُ حَثِيثًا يُنَجِّيهِ

دوستی که طلب نماید او را شتابان که نجات دهد

مِنْ ضِيقِ أَمْرِهِ وَحَرَجِهِ وَ

او را از تنگی امر او و دلگیری او و

يظهر له

يُظْهِرُ لَهُ الْمُهِمَّ مِنْ أَعْلَامِ

و ظاهر سازد برای او مهم را از نشانهای

فَرَجِهِ اللَّهُمَّ فَيَا مَنْ قُدْرَتُهُ

گشایش او خداوندا پس ای کسی که قدرت او

قَاهِرَةٌ وَآيَاتُهُ بَاهِرَةٌ وَ

غالب است و علامات او واضح است و

نَقِمَاتُهُ قَاصِمَةٌ لِكُلِّ

عذابهای او شکننده است هر

جَبَّارٍ دَامِغَةٌ لِكُلِّ كَفُورٍ

ستمگری را هلاک کننده است هر کافر

خمّاً دصلّ يا ربّ على محمّدٍ و

محمد را رحمت بفرست ای پروردگار بر محمد و

آل محمّدٍ وانظر الى يا ربّ

آل محمد و نظر کن بسوی من ای پروردگار

نظرةً من نظراتك رحمةً

نظری از نظرات خود که رحیم باشد

تجلّ بها عنّي ظلمةً واقفةً

برطرف کنی بان از من تاریکی ماکن

مقيمةً من عاهةٍ جفّت

ایستاده را از آزاری که خشک شده است

منها

منها الضروع وتلفت

از آن پستانها و تلف شده است

منها الزروع واشتمل

از آن زرعها و فرو گرفته

بها على القلوب الباس

بان علت بر دلها ناامیدیها

وجرت بسببها الانفاس

و روان شد بسبب آن نفسها

اللهمّ صلّ على محمّدٍ و

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَحِفْظاً حِفْظاً لِغِرَاسِ

ال محمد وحفظ را حفظ نما درختهارا

غَرَسَتْهَا يَدُ الرَّحْمٰنِ وَسَتْرُهَا

کشته است از دست عزت خدا و اب داده از

مِنْ مَاءِ الْحَيَوَانِ أَنْ تَكُونَ

از اب حیوة از آنکه

بِيَدِ الشَّيْطَانِ تُجَزُّ وَ

بدست شیطان قطع شوند و

بِفَأْسِهِ تُقْطَعُ وَتُجَزُّ إِلٰهِي

به تبر او بریده شوند کشته شوند خدایا

مَنْ أَوْلَى مِنْكَ أَنْ يَكُونَ عَنْ

کیست بهتر از تو آنکه بود از

حَرِيمِكَ دَافِعاً وَمَنْ أَجْدَرُ

حریم تو دفع کننده وکیست سزاوارتر

مِنْكَ أَنْ يَكُونَ عَنْ حِمَاكَ

از تو آنکه بود از قرق تو

حَارِساً وَمَانِعاً إِلٰهِي أَنَّ

پاسبان ومنع کننده خداوندا بدرستی

الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوِّنْهُ وَ

کار بتحقیق که هولناک شده آسان کن او را و

خشن فالنه وان القلوب

درشت شده پس نرم کن آنرا و بدرستی که دلها

قد كاعت فطمنها والنفوس

بتحقیق ترسیده اند پس ترسیدن ایشانرا و نفسها

ارتاعت فسكنها الهي تدارك

مضطرب شده اند پس ساکن گردان آنها را خداوندا دریاب

اقداما زلت وافهاما في

قدمها را که لغزیده اند و عقلها را که در

مهامه الحيرة ضلت اذ

بیابانهای حیرت گمراه شده اند زیرا

لا

ذات جبرك لكسرها واطلاق

عادت تو از تدارک کردن تراز برای شکسته ها و رها کردن ترا

لاسرها واجارتك

از برای اسیران و پناه دادن ترا

لمستجيرها اجحف الضر

از برای پناه آورنده ازانها تنگ گرفته است ضرر

بالمضرور وفي داعية الويل

بمضرور رسیده شد و در واقعه درخواست کننده ویل

والثبور فهل يحسن من

و هلاکت را پس آیا نیکوست از

فَضْلِكَ اَنْ تَجْعَلَهُ فَرِيسَةَ

فضل تو اینکه گردانی اورا طعمه

اَلْبَلَاءِ وَهُوَ لَكَ رَاجٍ اَمْ

با وحال آنکه او مر ترا امیدوارست

هَلْ يَجْمُلُ مِنْ عَدْلِكَ اَنْ

آیا نیکوست از عدالت تو اینکه

يَخُوضَ لُجَّةَ النَّقِمَاتِ وَ

فرو رود گرداب عذابها و

هُوَ اِلَيْكَ لَاجٍ مَوْلَايَ

حال آنکه بسوی تو پناه آورده آقای من

لِاَنْ كُنْتُ لَا اَشُقُّ عَلَى نَفْسِي

برای آنکه اگر هستم که تعب ننهم بنفس خود

فِي التُّقَى وَلَا اَبْلُغُ فِي حَمْلِ

در پرهیزگاری ونمیرسم در تحمل

اَعْبَاءِ الطَّاعَةِ مَبْلَغَ الرِّضَا

شدن بقیهای فرمانبرداری بمرتبه خوشنودی

وَلَا اَنْتَظِمُ فِي سِلْكِ قَوْمٍ

و درجمله نیستم در رشته قومی

رَفَضُوا الدُّنْيَا فَهُمْ خُمُصٌ

که ترک کرده اند دنیارا پس ایشان فرزونه

البطون من الطوى ذبل

شکمهانید از گرسنگی خشکیده

الشفاه من الظماء عمش

لبهاند از تشنگی ضعیف

العيون من البكا ابل

چشمهاند از گریه بگه

آتيتك يا رب بضعف من

آمده ام ترا ای پروردگار من ضعیف از

العمل وظهر ثقيل بالخطايا

عمل و پشت سنگین بسبب گناهان

والزلل ونفس للراحة .

لغزشها و نفس در راحت

معتادة ولدواعي التسويف

عادت کرده و برای باعثهای تاخیر کردن

منقادة أما يكفيك

فرمان بردار آیا کافی نیست ترا

يا رب وسيلة إليك و

ای پروردگار من واسطه بسوی تو

ذريعة لديك أني لأوليائك

و وسیله در نزد تو اینکه من از برای دوستان

مُوَالٍ وَفِي مَحَبَّتِهِمْ مُغَالٍ

دوستم و در محبت ایشان غلو کننده ام

أَمَا يَكْفِينِي أَنْ أَرُوحَ

آیا کافی نیست مرا اینکه صبح میکنم

فِيهِمْ مَظْلُومًا وَأَغْدُو مَكْظُومًا

در میان ایشان مظلوم و صبح میکنم فرو برنده خشم خود را

وَأَقْضِي بَعْدَ هُمُومٍ هُمُومًا

و میگذرانم بعد از غمها غمهای دیگر را

وَبَعْدَ وُجُومٍ وُجُومًا أَمَا

و بعد از دلگیری دلگیری دیگر را آیا نیست

عندك

عِنْدَكَ يَا رَبِّ بِهِمْ حُرْمَةٌ

نزد تو ای پروردگار من بسبب ایشان احترامی

لَا تَضِيعُ وَذِمَّةٌ بِأَدْنَاهَا

که ضایع نشود و پیمانی که بکمتر ازان

تُقْنَعُ فَلِمَ تَمْنَعُنِي يَا رَبِّ

قناعت میشود پس چرا منع میکنی مرا ای پروردگار من

وَهَا أَنَا ذَا غَرِيقٌ وَتَدَعُنِي

و اینک من غرق شده ام و وامیگذاری مرا

بِنَارِ عَدُوِّكَ حَرِيقًا أَتَجْعَلُ

در آتش دشمن خود سوخته شده آیا میگردانی

اولياءك لاعدائك طرائد

دوستانت مر دشمنانت را نخچیرها بجهة رسیدن خود دوستشد

ولمكرهم مصائد وتقلدهم

و برای مکر ایشان صید شده و قلاده پوشیدن ایشان را

من خسفهم قلائد وانت

از ملامت ایشان قلادها و مالک کننده تو

مالك نفوسهم لو قبضتها

ملک نفسهای ایشانی اگر قبض کنی ایشان را

جمدوا وفي قبضتك مواد

جماد میشوند و در قبضه قدرت تست مادهای

انفاسهم لو قطعتها خمدوا

نفسهای ایشان اگر قطع کنی ایشان را هلاک میشوند

فما يمنعك يا رب ان تكف

پس چه چیز منع میشود ترا ای پروردگار که باز داری

باسهم وتنزع عنهم من

شدت ایشان را و برکنی از ایشان از

حفظك لباسهم وتعريهم

حفظ خود لباس ایشان را و برهنه کنی ایشان را

من سلامة بها في ارضك

از سلامتی که بان در زمین تو

يَفْرَحُونَ وَفِي مَيْدانِ الْبَغْيِ

خوشحال میباشند و در میدان ستم

عَلى عِبادِكَ يَمْرَحُونَ اَللّٰهُمَّ

بر بندگان تو چرا میکنند خداوندا

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَاَدْرِكْنِي وَلَمّا يُدْرِكْنِي

و دریاب مرا و هنوز در نیافته باشد

الْغَرَقُ وَتَدارَكْنِي وَلَمّا غَيَّبَ

غرق شدن و تدارک کن حال مرا و هنوز پنهان

تم

شَمْسِي الشَّفَقُ اِلهِي كَمْ

گشته باشد آفتاب مرا خداوندا بسیار

مِنْ خائِفٍ الْتَجاءَ اِلى سُلْطانٍ

ترسنده که در پناه بجهد بسوی پادشاهی

فَآبَ عَنْهُ مَحْفُوظاً بِاَمْنٍ

پس برگشته از پیش او محفوظ با امن

وَاَمّا اِنْ اَنَا اَقْصُدُ يا رَبِّ

و اما من آیا پس قصد کنم ای پروردگار من

اَعْظَمَ مِنْ سُلْطانِكَ سُلْطاناً

اعظم از پادشاهی تو پادشاهی را

أَمْ أَوْسَعَ مِنْ إِحْسَانِكَ إِحْسَانًا أَمْ

یا وسیع تر از احسان تو احسان را

أَكْثَرَ مِنِ اقْتِدَارِكَ

بیشتر از اقتدار تو

اقْتِدَارًا أَمْ أَكْرَمَ مِنِ

اقتدار را یا کریم تر از

انْتِصَارِكَ انْتِصَارًا اللَّهُمَّ

یاری کردن تو یاری کردن را خداوندا

أَيْنَ أَيْنَ كِفَايَتُكَ الَّتِي

کجاست کجاست کفایت کردن تو آن

هِيَ نُصْرَةُ الْمُسْتَغِيثِينَ مِنَ

یاری فریادرس طلبان از

الْأَنَامِ وَأَيْنَ أَيْنَ عِنَايَتُكَ

خلایق و کجاست کجاست شفقت تو

الَّتِي هِيَ جُنَّةُ الْمُسْتَهْدَفِينَ

و آن سپرست برای گریزندگان از

لِجَوْرِ الْأَيَّامِ إِلَيَّ بِهَا يَا رَبِّ

از ستم روزگار را [illegible]

نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

نجات ده مرا از قوم ظالمین

انّی مسّنی الضّرّ وانت ارحم

بدرستی که رسیده است مرا ضرر و تو رحم کننده ترین

الرّاحمین مولای تری

رحم کنندگان ای مولای من می بینی

تحیّری فی امری وتقلّبی

حیرت مرا در امر من و برگردیدن

فی ضرّی وانطوای علی

حال مرا در ضرر من و فرو گرفتن من بر

حرقة قلبی وحرارة صدری

سوزش دل و گرمی سینهٔ من

فصل

فصلّ یا ربّ علی محمّد وال

پس رحمت فرست ای پروردگار بر محمد و آل

محمّد وجدلی یا ربّ بما انت

محمد و بخش مرا ای پروردگار من بآنچه تو

اهله فرجا ومخرجا ویسّر

اهل اوئی فرج و بیرون شدن و آسان کن

لی یا ربّ نحو البشری منهجا

برای من ای پروردگار من بجانب بشارت راهی

واجعل یا ربّ من نصب

و بگردان ای پروردگار من کسیرا که نصب کرد

حِبالاً لي ليصرعني بها
دامها برای من تا بهلاک کند مرا بان
صريع ما مكره ومن حفر
هلاک شده مکر خویش و کسی که کند
لي بئراً ليوقعني فيها واقعاً
برای من چاهی را تا بیندازد مرا در آن چاه انداخته شده
فيما حفره واصرف اللهم
در آن چاهی که کنده و برگردان خداوندا
عني من شره ومكره وفساده
از من شر او را و مکر او و فساد او

وضره

وضرّه ما تصرف عمن قاد
و ضرر او چنین که برگردانیده ای از آن کسی که کشید
نفسه لدين الديان ومنا
نفس خود را از برای دین دیان و کسی که ندا کننده
دٍ ينادي للإيمان إلهي عبدك
که میخواند مردم را از برای ایمان خدایا بنده تو ام
أجب دعوته وضعيفك
برآور مطلب او را و منم ضعیف تو
ضعيفك فرّج غمته فقد
ضعیف تو برطرف کن غم او را پس بتحقیق

انقطع به كلّ حبل الّا

و بريده شد از او همه ريسمانها مگر

حبلك وتقلّص عنه كلّ

ريسمان تو و كوتاه شد از او هر

ظلّ الّا ظلّك بعد از سجده كند بگويد

سايه مگر سايه تو

الهي انّ وجهاً اليك

خداي من روي من بجانب تو و بسوي تو

برغبته توجّه فالراغب

بخواهش خود رو آورده است و رغبت دارنده

خليق

خليق بان تجيبه وانّ

سزاوار است بآنكه اجابت نمائي او را و بدرستي

جبيناً لك بابتهاله

و پيشاني و براي تو بزاري خود

سجد حقيق ان يبلغ

سجده كند لايق است آنكه برسد

ما قصد وانّ خدّاً لديك

بآنچه قصد كرده و بدرستي رخساره و بسوي تو

بمسئلته يعفّر جدير

بسؤال خود بخاك ماليده شده سزاوار است

بأن يفوز بمراده ويظفر

بآنكه برسد بمراد او ورستگار شود

وها أنا ذا يا إلهي قد ترى

و اینک من ای خداوند من بتحقیق می‌بینی

تغيير خدّي وابتهالي

بر خاک مالیدن روی مرا و زاری کردن مرا

واجتهادي في مسألتك

و سعی مرا در سؤال کردن تو

وجدّي فتلقّ يا ربّ

و اهتمام مرا پس بپذیر ای پروردگار من

رغباتي برأفتك قبولا

خواهشهای مرا بشفقت خود پذیرفتنی

وسهّل إلى طلباتي بعزّتك

و آسان گردان بسوی خواهشهای من بعزت خود

وصولا وذلّل لي قطوف

رسیدن را و رام گردان برای من چیدن

ثمرة إجابتك تذليلا

میوه اجابت خود آسان کردنی

إلهي لا ركن أشدّ منك

خداوندا نیست رکنی محکم‌تر از تو

فآوي إلى ركن شديد

پس پناه برم من بسوی رکنی محکم

وقد أويت إليك وعوّلت

و بتحقیق پناه آوردم بسوی تو و اعتماد کردم

في قضاء حوائجي عليك و

در قضای حاجتهای خود بر تو و

لا أقول أسد من دعائك

نمیگویم درست تر از دعای تو

فأستظهر بقول سديد

تا کمک گیرم و اعتماد نمایم بسخن گفتار درست

وقد دعوتك كما أمرت

و بتحقیق خواندم ترا چنانکه امر کرده

فاستجب لي بفضلك كما

پس مستجاب کن برای من بفضل خود چنانچه

وعدت فهل بقي يا رب

وعده کرده پس آیا باقی مانده ای پروردگار

إلا أن تجيب وترحم

مگر آنکه اجابت کنی و رحم کنی

مني البكاء والنحيب

از من گریه و ناله را

يَا مَنْ لَا اِلٰهَ سِوَاهُ وَيَا مَنْ

ای آنکه نیست خدای غیر او و ای آنکه

يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ

اجابت میکند بیچاره را هنگامیکه بخواند اورا

رَبِّ انْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ

ای پروردگار یاری کن مرا بر گروه

الظَّالِمِينَ وَافْتَحْ لِي وَاَنْتَ

ستمکاران و بگشای از برای من و تو

خَيْرُ الْفَاتِحِينَ وَالْطُفْ

بهترین گشایندگانی و لطف کن

بِي يَا رَبِّ وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

بمن ای پروردگار و بهمه مؤمنین

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا

و مؤمنات برحمت خود ای

اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

رحم کننده ترین رحم کنندگان

[illegible]

ختم الم تر کیف دوازده هزار مرتبه در یک مجلس [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم الم تر کیف فعل ربک باصحاب الفیل یا جبرائیل الم یجعل کیدهم ۲۰
فی تضلیل یا میکائیل وارسل علیهم طیرا ابابیل یا اسرافیل ترمیهم بحجارة من سجیل یا عزرائیل
فجعلهم کعصف مأکول اللهم اجعلهم کعصف مأکول

قد شرفت [illegible] هذه الدعویة المأثورة من الائمة علیهم السلام [illegible] القرآن [illegible]
[illegible] العظیم [illegible]
[illegible] الاعظم الافخم [illegible] المعزز [illegible]
الرفیع والحسب المنیع [illegible] الاعظم [illegible]
[illegible] الرفیع [illegible] الموفق [illegible]
[illegible] خیر الانام [illegible]
[illegible]
[illegible] ادام [illegible] ظل [illegible] دولته وسلطنته [illegible]

[illegible]

عدیلة

بسم الله الرحمن الرحیم

شهد الله انه لا اله الا هو والملئكة
واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام
وانا العبد الضعیف المذنب العاصی الحقیر الذلیل
المحتاج الفقیر اشهد لمنعمی ومکرمی ورازقی
وخالقی ومکونی کما شهد لذاته وشهد له
الملئكة واولوا العلم من عباده بانه لا اله

لا هو ذو النعم والاحسان والكرم و
الامتنان قادر ازلي عالم ابدي حي
احد موجود سرمدي سميع بصير مريد
كاره مدرك صمد يستحق هذه الصفات
وهو على ما هو عليه في عز صفاته كان
قويا قبل وجود القدرة والقوة وكان
عليما قبل ايجاد العلم والعلة لم يزل
سلطانا اذ لا مملكة ولا مال ولم
يزل سبحانه على جميع الاحوال وجوده

قبل القبل في ازل الآزال وبقاؤه بعد البعد
من غير انتقال ولا زوال غني في الاول
والآخر مستغن في الظاهر والباطن لا
جور في قضيته ولا ميل في مشيته ولا
ظلم في تقديره ولا مهرب من حكومته ولا
ملجا من سطواته ولا منجى من نقماته
سبقت رحمته غضبه ولا يفوته احد
اذا طلبه ازاح العلل في التكليف و
سوى التوفيق بين الضعيف والشريف

مكّن أداء المأمور وسهل سبيل

اجتناب المحظور ثم لم يكلف الطاعة إلا

بعد الوسع والطاقة سبحانه ما أجل — لما أبى كرمه واقتضى شأنه وسلطانه

نيله وما أعظم إحسانه بعث الأنبياء

ليبيّن عدله ونصب الأوصياء

ليظهر طوله وفضله وجعلنا من أمة

سيد الأنبياء محمد صلى الله عليه وآله — وخير الأولياء وأتقى الأذكياء وأفضل الأصفياء

امتنا به وما دعانا إليه وبالقرآن العظيم

الذي أنزله عليه وبوصيه الذي نصبه

يوم الغدير وأشار بقوله علي إليه — هذا

وأشهد أن الأئمة الأبرار والخلفاء — الهداة

الأخيار بعد الرسول المختار علي قامع

الكفار ومن بعده سيد أولاده الحسن

ابن علي ثم حسين ابن علي ثم علي بن — أخوه السبط التابع لمرضات الله

الحسين زين العابدين ثم الباقر محمد ثم

الصادق جعفر ثم الكاظم موسى ثم

الرضا علي ثم التقي محمد ثم النقي

علي ثم الزكي العسكري ثم الحجة — الحسن

الخلف القائم المنتظر المهدي المرجي
الذي ببقائه بقيت الدنيا وبيمنه
رزق الورى وبوجوده ثبتت الارض و
السماء وبه يملأ قسطا وعدلا بعد ما ملئت
(الله الارض)
جورا وظلما واشهد ان اقوالهم حجة
وامتثالهم فريضة ومودتهم لازمة
(وطاعتهم مفروضة)
مقضية والاقتداء بهم منجية و
مخالفتهم مردية وهم سادات اهل
الجنة اجمعين وشفعاء يوم الدين و

ائمة

ائمة اهل الارض على اليقين و
افضل الاوصياء المرضيين واشهد
ان الموت حق وان القبر حق ومسئلة
القبر حق وسؤال منكر ونكير حق
والبعث حق والنشور حق والحساب
حق والكتاب حق والميزان حق والصراط
حق والجنة حق والنار حق وان
الساعة اتية لا ريب فيها وان الله
يبعث من في القبور اللهم فضلك

وعفوك

رجائي وكرمك ورحمتك املي لا عمل لي
استحق به الجنة ولا طاعة لي استوجب
بها الرضوان الا اني اعتقدت توحيدك
وعدلك وارتجيت احسانك وفضلك

اليك

وتشفعت بالنبي وآله واوصيائه من
احبتك وانت اكرم الاكرمين و
انت ارحم الراحمين وصلى الله على
نبينا محمد وآله اجمعين الطيبين
الطاهرين ولا حول ولا قوة الا بالله

وسلم تسليما كثيرا كثيرا يا ارحم الراحمين

العلي

العلي العظيم اللهم يا ارحم الراحمين
اني اودعتك يقيني هذا وثبات ديني
وانت خير مستودع وقد امرتنا بحفظ
الودايع فرده علي وقت حضور موتي
برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله
على سيدنا محمد وآله اجمعين والحمد
لله رب العالمين

دعائی که قبل از سما باید خوند

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم انت الاول فليس قبلك شيء و

انت الآخر فليس بعدك شيء وانت
الظاهر فليس فوقك شيء وانت الباطن
فليس دونك شيء وانت العزيز الرحيم
سبحانك يا لا اله الا انت يا حنان
يا منان يا بديع السموات والارض
يا ذا الجلال والاكرام برحمتك يا
هذا دعا ارحم الراحمين سمات
اللهم اني اسئلك باسمك العظيم
الاعظم الاعظم الاعظم الاعز الاجل

الاكرم

الاكرم الذي اذا دعيت به
على مغالق ابواب السماء للفتح
بالرحمة انفتحت واذا دعيت به
على مضائق ابواب الارض للفرج
انفرجت واذا دعيت به على العسر
لليسر تيسرت واذا دعيت به على
الاموات للنشور انتشرت واذا
دعيت به على كشف البأساء و
الضراء انكشفت وبجلال وجهك

الكريم اكرم الوجوه واعز الوجوه
الذي عنت له الوجوه وخضعت
له الرقاب وخشعت له الاصوات
ووجلت له القلوب من مخافتك
وبقوتك التي تمسك بها السماء
ان تقع على الارض الا باذنك و
تمسك السموات والارض ان
تزولا ولئن زالتا ان امسكهما
من احد من بعدك وبمشيئتك التي

دان لها العالمون وبكلمتك التي
خلقت بها السموات والارض و
بحكمتك التي صنعت بها العجائب
وخلقت بها الظلمة وجعلتها ليلا
وجعلت الليل سكنا وخلقت بها
النور وجعلته نهارا وجعلت النهار
نشورا مبصرا وخلقت بها الشمس
وجعلت الشمس ضياء وخلقت
بها القمر وجعلت القمر نورا و

خلقت بها الكواكب وجعلتها نجوما
وبروجا ومصابيح وزينة ورجوما
وجعلت لها مشارق ومغارب و
جعلت لها مطالع ومجاري وجعلت
لها فلكا ومسابح وقدرتها في السما
منازل فاحسنت تقديرها وصورتها
فاحسنت تصويرها واحصيتها
احصاء وسميتها باسمائك ودبرتها
بحكمتك تدبيرا واحسنت تدبيرها

وسخرتها

وسخرتها بسلطان الليل وسلطان
النهار والساعات وعدد السنين و
الحساب وجعلت رؤيتها لجميع الناس
مرئ واحدا واسئلك اللهم بمجدك
الذي كلمت به عبدك ورسولك
موسى ابن عمران عليه السلام في
المقدسين فوق احساس الكروبيين
فوق غمائم النور فوق تابوت الشهادة
في عمود النار وفي طور سيناء وفي

جبل حوريث في الواد المقدس في
البقعة المباركة من جانب الطور الأيمن
من الشجرة وفي أرض مصر بتسع آيات
بينات ويوم فرقت لبني إسرائيل
البحر وفي المنبجسات التي صنعت بها
العجائب في بحر سوف وعقدت ماء
البحر في قلب الغمر كالحجارة وجاوزت
ببني إسرائيل البحر وتمت كلمتك
الحسنى عليهم بما صبروا وأورثتهم

مشارق الأرض ومغاربها التي باركت
فيها للعالمين وأغرقت فرعون وجنوده
ومراكبه في اليم وباسمك العظيم الأعظم
الأعظم الأعظم الأعز الأجل الأكرم
ومجدك الذي تجليت به لموسى
كليمك عليه السلام في طور سيناء
ولإبراهيم خليلك عليه السلام من
قبل في مسجد الخيف ولإسحق صفيك
عليه السلام في بئر شيع وليعقوب نبيك

عليه السلم في بيت ايل واوفيت لابراهيم
عليه السلام بميثاقك ولاسحق عليه
السلام بحلفك وليعقوب عليه السلم
بشهادتك وللمؤمنين بوعدك وللداعين
باسمائك فاجبت وبمجدك الذي ظهر
لموسى بن عمران عليه السلام على
قبة الرمان وبايدك الذي رفعت
وباياتك التي وقعت على ارض مصر
بمجد العزة والغلبة وبايات عزيزة

وبسلطان

وبسلطان القوة وبعزة القدرة و
بشان الكلمة التامة وبكلماتك
التي تفضلت بها على اهل السموات
والارض واهل الدنيا والاخرة و
برحمتك التي مننت بها على جميع خلقك
وباستطاعتك التي اقمت بها على
العالمين وبنورك الذي قد خر
من فزعه طور سيناء وبعلمك و
بعظمتك وجلالك وكبريائك وعزتك

وجبروتك التي لم تستقلها الارض و
انخفضت لها السموات وانزجر لها
العمق الاكبر وركدت لها البحار
والانهار وخضعت لها الجبال و
سكنت لها الارض بمناكبها و
استسلمت لها الخلائق كلها و
خفقت لها الرياح في جريانها و
خمدت لها النيران في اوطانها
وبسلطانك الذي عرفت لك به

الغلبة دهر الدهور وحمدت به
في السموات والارضين وبكلمتك
كلمة الصدق التي سبقت لابينا
ادم عليه السلام وذريته بالرحمة
واسئلك بكلمتك التي غلبت كل
شيء وبنور وجهك الذي تجليت به
للجبل فجعلته دكا وخر موسى صعقا
وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء
فكلمت به عبدك ورسولك موسى ابن

عمران عليه السلام وبطلعتك في
ساعير وظهورك في جبل فاران بربوات
المقدسين وجنود الملائكة
الصافين وخشوع الملائكة المسبحين
وببركاتك التي باركت على ابرهيم
خليلك عليه السلام في امة محمد
صلى الله عليه واله وباركت لاسحاق
صفيك عليه السلام في امة عيسى
عليه السلام وباركت ليعقوب

اسرائيلك

اسرائيلك عليه السلام في امة موسى
عليه السلام وباركت لحبيبك محمد
صلى الله عليه واله في عترته وذريته
وامته بالرحمة اللهم وكما غبنا عن ذلك
ولم نشهده وامنا به ولم نره صدقا و
عدلا ان تصلي على محمد وال محمد وان
تبارك على محمد وال محمد وترحم على
محمد وال محمد كافضل ما صليت و
باركت وترحمت على ابرهيم وال ابرهيم

إنك حميد مجيد فعال لما تريد وانت
على كل شيء قدير شهيد [illegible]
يا الله يا حنان يا منان يا بديع السموات
والأرض يا ذا الجلال والاكرام اللهم
بحق هذا الدعاء وبحق هذه الاسماء
التي لا يعلم تفسيرها ولا يعلم تأويلها
ولا ظاهرها ولا باطنها غيرك ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تفعل بي ما
انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله و

اغفر لي ذنوبي ما تقدم منها وما تأخر
ووسع علي من حلال رزقك واكفني مؤنة
انسان سوء وقرين سوء وسلطان سوء
وجار سوء انك على ما تشاء قدير وبكل
شيء عليم وبالاجابة جدير آمين رب
العالمين و بگوید اللهم
بحرمة هذا الدعاء وبما فات منه من
الاسماء وبما يشتمل عليه من التفسير
والتدبير التي لا يحيط به الا انت

انْ تَفْعَلَ لِي كَذَا وَكَذَا حضرت امير المؤمنين ع مبارك است

اين دعا را بخوانند يَا عُدَّتِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا غِيَاثِي

عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا وَلِيِّي عِنْدَ نِعْمَتِي وَيَا

مُنْجِحِي فِي حَاجَتِي وَيَا مَفْزَعِي فِي وَرْطَتِي وَيَا

مُنْقِذِي مِنْ هَلَكَتِي وَيَا كَالِئِي فِي وَحْدَتِي

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاجْمَعْ لِي شَمْلِي وَانْجِحْ لِي

طَلِبَتِي وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي

وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَلَا تُفَرِّقْ

بين

بَيْنِي وَبَيْنَ الْعَافِيَةِ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي وَ

عِنْدَ وَفَاتِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى [سيدنا] مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ

الطَّاهِرِينَ [المعصومين] در نسخه ديگر مذكور است كه بنده مسكين بسيار

خود سوال كند در بعد طلب حوائج بسيار است اللّٰهُمَّ بِحَقِّ

هٰذَا الدُّعَاءِ وَهٰذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ

تَفْسِيرَهَا وَلَا تَأْوِيلَهَا وَلَا ظَاهِرَهَا وَلَا

بَاطِنَهَا غَيْرُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ أَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَخَيْرَ الْآخِرَةِ

وافعل بي كذا وكذا وافعل بي ما انت
اهله ولا تفعل بي ما انا اهله وانتقم
من فلان ابن فلان واغفر لي من ذنوبي
ما تقدم منها وما تأخر ولوالدي ولجميع
المؤمنين والمؤمنات ووسع علي
من حلال رزقك واكفني مؤنة انسان
سوء ويوم سوء وساعة سوء وانتقم
لي ممن يكيدني وبغى علي ويريد
بي وباهلي واولادي واخواني وجيراني

وقرابتي من المؤمنين والمؤمنات ظلما
انك على ما تشاء قدير وبكل شيء عليم امين امين
رب العالمين ربويا اللهم بحق هذا الدعاء
ان تتفضل على فقراء المؤمنين والمؤمنات
بالغنى والثروة وعلى مرضى المؤمنين و
المؤمنات بالشفاء والصحة وعلى احياء
المؤمنين والمؤمنات باللطف والكرام
وعلى اموات المؤمنين والمؤمنات
بالغفران والرحمة وعلى مسافري المؤمنين

والمؤمنات بالرد الى اوطانهم سالمين
غانمين برحمتك يا ارحم الراحمين

دست ها کردن قبل از عثرات بنیه ها دار حضرت
رسالت پناه مرویست که هر که هر روز قبل از او تحیت
ان ... برات ... اول تحیت پس ... ادای گوید از آنکه
پرسیدم که اول تحیت کدام است پس فرمود
که بگوید اللهم انت الاول فليس قبلك
شيء وانت الاخر فليس بعدك شيء
وانت الظاهر فليس فوقك شيء و

يا من ختم النبوة بمحمد صلى الله عليه وآله وسلم اختم لي في يومي هذا بخير وشهري بخير وسنتي بخير وعمري بخير

انت الباطن فليس دونك شيء وانت
العزيز الحكيم سبحانك يا الا اله الا انت
يا حنان يا منان يا بديع السموات
والارض يا ذا الجلال والاكرام اللهم
اني اسئلك بحق محمد وانت المحمود و
بحق علي وانت الاعلى وبحق فاطمة و
انت فاطر السموات والارض و
بحق الحسن وانت المحسن وبحق الحسين
وانت قديم الاحسان ان تقبل توبتي

وتغفر ذنوبي وتقضي حاجتي بحق
محمد وآله اجمعين الطيبين الطاهرين
برحمتك يا ارحم الراحمين
حضرت امير المؤمنين ع که پیش از هر دعا بگوید يا من
هو اقرب الي من حبل الوريد يا من
هو يحول بين المرء وقلبه يا من هو
بالمنظر الاعلى يا من ليس كمثله شيء
وهو السميع العليم لا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم منادى عشرات

بسم الله الرحمن الرحيم
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم سبحان الله بالغدو والاصال سبحان
الله بالعشي والابكار سبحان الله في آناء
الليل واطراف النهار سبحان الله حين
تمسون وحين تصبحون وله الحمد في السموات
والارض وعشيا وحين تظهرون
يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من
الحي ويحيي الارض بعد موتها وكذلك

تخرجون سبحان ربك رب العزة عما يصفون
وسلام على المرسلين والحمد لله على رب
العالمين سبحان ربك رب العرش العظيم
سبحان ذي الملك والملكوت سبحان
ذي العزة والجبروت سبحان ذي
الكبرياء والعظمة سبحان الملك الحق المبين
المهيمن القدوس سبحان الملك الحي
الذي لا يموت سبحان الله الملك الحي
القدوس سبحان القائم الدائم سبحان
الدائم القائم سبحان ربي العظيم سبحان

[illegible]

ربي الأعلى سبحان الحي القيوم سبحان
العلي الأعلى سبحانه وتعالى سبوح قدوس
ربنا ورب الملائكة والروح سبحان الدائم
غير الغافل سبحان العالم بغير تعليم سبحان
خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الذي يدرك
الأبصار ولا تدركه الأبصار وهو اللطيف
الخبير اللهم إني أصبحت منك في نعمة
وخير وبركة وعافية فصل على محمد وآله
وأتمم علي نعمتك وخيرك وبركاتك و
عافيتك بنجاة من النار وارزقني شكرك

وعافيتك وفضلك وكرامتك ابدا
ما ابقيتني اللهم بنورك اهتديت
وبفضلك استغنيت وبنعمتك اصبحت
وامسيت ذنوبي بين يديك استغفرك
واتوب اليك لا مانع لما اعطيت و
لا معطي لما منعت ولا ينفع ذا الجد منك
الجد لا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم اللهم اني اشهدك وكفى بك
شهيدا واشهد ملائكتك وانبيائك
ورسلك وحملة عرشك وسكان

سموا

سمواتك وارضك وجميع خلقك بانك
انت الله لا اله الا انت وحدك لا
شريك لك وان محمدا صلواتك عليه
واله عبدك ورسولك وانك على كل
شيء قدير تحيي وتميت وتميت وتحيي
واشهد ان الجنة حق وان النار
حق وان النشور حق وان الساعة اتية
لا ريب فيها وان الله يبعث من في
القبور واشهد ان علي بن ابي طالب
امير المؤمنين حقا حقا وان الائمة

من ولده هم الائمة الهداة المهديون
غير الضالين ولا المضلين وانهم
اولياؤك المصطفون وحزبك الغالبون
وصفوتك وخيرتك من خلقك ونجباؤك
الذين انتجبتهم لدينك واختصصتهم
من خلقك واصطفيتهم على عبادك
وجعلتهم حجة على العالمين صلواتك
عليهم والسلام عليهم ورحمة الله
وبركاته اللهم اكتب لي هذه الشهادة
عندك تلقنيها يوم القيمة وقد رضيت حتى

بها عني انك على كل شيء قدير وانت
غني راض انك على ما تشاء قدير اللهم
لك الحمد حمدا يصعد اوله ولا ينفد
اخره اللهم لك الحمد حمدا تضع لك
السماء كنفيها وتسبح لك الارض ومن
عليها اللهم لك الحمد حمدا سرمدا ابدا
لا انقطاع له ولا نفاد وكما ينبغي و
اليك ينتهي فيّ وعليّ ولديّ و
معي وقبلي وبعدي وامامي وخلفي و
فوقي وتحتي واذا مت وبقيت فردا وحيدا

ثم فنيت ولك الحمد اذا نشرت وبعثت
يا مولاى اللهم لك ولك الشكر بجميع الحمد و
محامدك كلها على جميع نعمائك كلها حتى
ينتهى الحمد الى ما تحب ربنا وترضى
اللهم لك الحمد على كل اكلة وشربة
وبطشة وقبضة وبسطة وفى كل موضع
شعرة اللهم لك الحمد حمدا خالدا مع
خلودك ولك الحمد حمدا لا منتهى له
دون علمك ولك الحمد حمدا لا امد
له دون مشيتك ولك الحمد حمدا لا
اجر لقائله الا رضاك ولك الحمد على حلمك

بعد علمك ولك الحمد على عفوك بعد
قدرتك ولك الحمد باعث الحمد ولك الحمد
وارث الحمد ولك الحمد بديع الحمد ولك
الحمد مبتدع الحمد ولك الحمد مشترى منتهى الحمد ولك الحمد
الحمد ولك الحمد ولى الحمد ولك الحمد مالك
الحمد ولك الحمد قديم الحمد ولك الحمد
صادق الوعد وفى العهد عزيز الجند
قائم المجد ولك الحمد رفيع الدرجات مجيب
الدعوات منزل الايات من فوق سبع
سموات عظيم البركات مخرج النور من

الظلمات ومخرج من في الظلمات الى
النور ومبدل البينات حسنات و السيئات
جاعل الحسنات درجات اللهم لك
الحمد غافر الذنب وقابل التوب شديد
العقاب ذي الطول لا اله الا انت
اليك المصير اللهم لك الحمد في الليل
اذا يغشى ولك الحمد في النهار اذا
تجلى ولك الحمد في الاخرة والاولى و
لك الحمد عدد كل نجم وملك في السما
ولك الحمد عدد الثرى والحصى والنوى
ولك

ولك الحمد عدد ما في جوف الارض و
لك الحمد عدد اوزان مياه البحار و حمدا
لك الحمد عدد اوراق الاشجار ولك
الحمد عدد ما على وجه الارض ولك
الحمد عدد ما احصى كتابك ولك الحمد
عدد ما احاط به علمك ولك الحمد عدد
الجن والانس والهوام والطير والبهائم
والسباع حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه
كما يحب ربنا ويرضى وكما ينبغي لكرم وجهك
وعز جلالك لا اله الا الله وحده و

لا شريك له له الملك وله الحمد وهو
اللطيف الخبير ٥٥ رب لا اله الا الله
وحده لا شريك له له الملك وله الحمد
يحيي ويميت ويميت ويحيي وهو حي
لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء
قدير ٥٥ رب استغفر الله الذي لا اله
الا هو الحي القيوم واتوب اليه
٥٥ ر يا الله ٥٥ ر يا رحمن ٥٥ ر يا رحيم ٥٥
يا بديع السموات والارض ٥٥ يا ذا
الجلال والاكرام ٥٥ ر يا حنان يا منان

٥٥ ر يا حي يا قيوم ٥٥ ر يا حي لا اله الا
انت ٥٥ ر يا الله لا اله الا انت ٥٥ ر
بسم الله الرحمن الرحيم ٥٥ ر اللهم صل
على محمد وآل محمد ٥٥ ر اللهم افعل
بي ما انت اهله ٥٥ ر امين ٥٥ ر قل
هو الله ٣ ر تا آخر سورة اللهم اصنع بي ما انا — انت اهله ولا تصنع بي ما
اهله فانك اهل التقوى واهل
المغفرة وانا اهل الذنوب والخطايا
فارحمني يا مولاي وانت ارحم الراحمين

پس سه بار بگو لا حول ولا قوة الا بالله توکلت
على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي
لم يتخذ ولدا ولم يكن له ولي من (شریک فی الملک ولم یکن له ولی من)
الذل وكبره تكبيرا

ابن طاوس در ربیع الدعوات از امام حسین روایت کرده و از برای ... نیکو
ربیع الدعوات نقل شده مخصوص است که حضرت امام حسین با حضرت امیر المؤمنین
در طواف کعبه بودند که ناگاه از شخصی آواز حزینی بسمع شریف آن حضرت رسید که استغاثه
میکرده الی الله میمود و این ابیات میخواند یا من یجیب دعاء المضطر فی الظلم یا کاشف الضر والبلوی
مع السقم قد نام وفدک حول البیت وانتبهوا وانت یا حی یا قیوم
لم تنم هب لی بجودک فضل العفو عن جرمی یا من اشار الیه الخلق فی الحرم ان کان
عفوک لا یرجوه ذو سرف فمن یجود علی العاصین بالنعم پس آن حضرت فرستند که آن

سمی

شخص در حضور امیر المؤمنین بود از او پرسیدند نام تو چیست گفت
نام من منازل بن لاحق شیبانیست و من مردی بودم در ... از معاصی
پدرم از خدا میترسید و مرا نصیحت میکرد و مرا از عذاب الهی میترسانید
و چند مرتبه که مرا نصیحت میکرد من او را میزدم و ... را ... قبول
نمیکردم تا اینکه بخانه کعبه آمد در روزی که ... بر
بعد از آن حج کرد و طواف کرد و دست در استار کعبه زد بروایت
دیگر دست بدرگاه الهی کرد و از من شکایت نمود و ... طرف من شل شود
بخدا قسم که هنوز دعای او تمام نشده بود که طرف راستم شل شد و من
بعد از پدرم عذر تقصیر خود طلبیدم و از او خواستم دعا کرده
در همان مکان که مرا نفرین کرده دعا کند ... رفع شود
پدرم اجابت کرد او را بر شتری سوار کرده و ... ناگاه در ... شتر
شتر از ... و پدرم از شتر افتاد و بمرد و ... در ...
گور ... شده ... بسبب عقوق ... همین ...
... پس حضرت امیر المؤمنین ... از برای او ...
... بر ... در ... دفع ...
... تو ... شد ... بجبرئیل
... پس آن شخص را از حضرت رفت ... حضرت
این ... در ... امیر المؤمنین

مجرب است این اسم اعظم است چنانکه در شب گذشته چنین گویم که بخواب رفتیم
در زمان در مسجد الحرام گم شدم و دست بسته بودم [illegible]
و چند بار [illegible] و بعد از ان بخواب رفتم در خواب دیدم حضرت
پیغمبر را دست بسر من [illegible] گفت محافظت کن این اسم اعظم را
[illegible] و [illegible] ان بلا [illegible]
ای [illegible] ترا جزای خیر [illegible] امیر المؤمنین و فرمود این اسم اعظم را
و خواندن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

اللهم اني اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم
يا ذا الجلال والاكرام يا حي يا قيوم لا اله الا
انت يا هو يا من هو يا من لا يعلم ما هو ولا كيف
هو ولا اين هو ولا حيث هو الا هو يا ذا الملك
والملكوت يا ذا العزة والجبروت يا ملك يا قدوس
يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا
متكبر يا خالق يا بارئ يا مصور يا مفيد يا
مدبر يا شديد يا مبدئ يا معيد يا مبيد يا

ودود يا محمود يا معبود يا بعيد يا قريب يا
مجيب يا رقيب يا حسيب يا بديع يا رفيع يا
منيع يا سميع يا عليم يا حليم يا كريم يا حكيم يا
قديم يا علي يا عظيم يا حنان يا منان يا
ديان يا مستعان يا جليل يا جميل يا وكيل
يا كفيل يا مقيل يا منيل يا نبيل يا دليل
يا هادي يا بادي يا اول يا آخر يا ظاهر يا
باطن يا قائم يا دائم يا عالم يا حاكم يا قاضي يا
عادل يا فاصل يا واصل يا طاهر يا مطهر
يا قادر يا مقتدر يا كبير يا متكبر يا واحد يا
احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن
له كفوا احد ولم تكن له صاحبة ولا كان
معه وزير ولا اتخذ معه مشيرا ولا احتاج
الى ظهير ولا كان معه من اله لا اله الا
انت فتعاليت عما يقول الظالمون علوا
كبيرا يا علي يا شامخ يا باذخ يا فتاح يا نفاح
يا مرتاح يا مفرج يا ناصر يا منتصر يا مدرك
يا مهلك يا منتقم يا باعث يا وارث يا طالب

يا غالب يا من لا يفوته هارب يا تواب يا
أواب يا وهاب يا مسبب الأسباب يا مفتح
الأبواب يا من حيث ما دعي أجاب يا
طهور يا شكور يا عفو يا غفور يا نور
النور يا مدبر الأمور يا لطيف يا خبير
يا مجير يا منير يا بصير يا ظهير يا كبير
يا وتر يا فرد يا أبد يا سند يا كافي يا شافي يا
وافي يا معافي يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل
يا متفضل يا متكرم يا متفرد يا من علا
فقهر ويا من ملك فقدر يا من بطن فخبر
ويا من عبد فشكر ويا من عصي فغفر يا من
لا تحويه الفكر يا من لا يدركه بصر ولا يخفى
عليه أثر يا رازق البشر يا مقدر كل قدر
يا عالي المكان يا شديد الأركان يا مبدل
الزمان يا قابل القربان يا ذا المن والإحسان
يا ذا العزة والسلطان يا رحيم يا رحمن يا من
هو كل يوم في شأن يا من لا يشغله شأن

عن شأن يا عظيم الشأن يا من هو بكل مكان
يا سامع الأصوات يا مجيب الدعوات يا
منجح الطلبات يا قاضي الحاجات يا منزل
البركات يا راحم العبرات يا مقيل العثرات
يا كاشف الكربات يا ولي الحسنات يا رافع
الدرجات يا معطي السؤلات يا محيي الأموات
يا جامع الشتات يا مطلع على النيات يا راد
ما قد فات يا من لا تشتبه عليه الأصوات
يا من لا تضجره المسألات ولا تغشاه الظلمات
يا نور الأرض والسموات يا سابغ النعم يا دافع
النقم يا بارئ النسم يا جامع الأمم يا شافي
السقم يا خالق النور والظلم يا ذا الجود و
الكرم يا من لا يطأ عرشه قدم يا أجود
الأجودين يا أكرم الأكرمين يا أسمع السامعين
يا أبصر الناظرين يا جار المستجيرين يا أمان
الخائفين يا ظهر اللاجين يا ولي المؤمنين
يا غياث المستغيثين يا غاية الطالبين
يا صاحب كل غريب يا مؤنس كل وحيد
يا ملجأ كل طريد يا مأوى كل شريد

يا حافظ كل ضالة يا راحم الشيخ الكبير يا رازق
الطفل الصغير يا جابر العظم الكسير
يا فاك كل أسير يا مغني البائس الفقير
يا عصمة الخائف المستجير يا من له التدبير
والتقدير يا من العسير عليه يسير يا من
لا يحتاج إلى تفسير يا من هو على كل
شيء قدير يا من هو بكل شيء خبير يا من
هو بكل شيء بصير يا مرسل الرياح يا
فالق الإصباح يا باعث الأرواح يا ذا
الجود والسماح يا من بيده كل مفتاح
يا سامع كل صوت يا سابق كل فوت يا
محيي كل نفس بعد الموت يا عدتي
في شدتي يا حافظي في غربتي يا مونسي في
وحدتي يا وليي في نعمتي يا كهفي حين تعييني
المذاهب وتسلمني الأقارب ويخذلني
كل صاحب يا عماد من لا عماد له يا سند
من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا
حرز من لا حرز له يا كهف من لا كهف له

يا كنز

يا كنز من لا كنز له يا ركن من لا ركن له يا
غياث من لا غياث له يا جار من لا جار
له يا جاري اللصيق يا ركني الوثيق يا
إلهي بالتحقيق يا رب البيت العتيق
يا شفيق يا رفيق فكني من حلق
المضيق واصرف عني كل هم وغم و
ضيق واكفني شر ما لا أطيق وأعني
على ما أطيق يا راد يوسف على يعقوب
يا كاشف ضر أيوب يا غافر ذنب داود يا
رافع عيسى بن مريم ومنجيه من أيدي
اليهود يا مجيب نداء يونس في الظلمات
يا مصطفى موسى بالكلمات يا من
غفر لآدم خطيئته ورفع إدريس مكانا
عليا برحمته يا من نجى نوحا من الغرق يا م
أهلك عادا الأولى وثمود فما أبقى وقوم
نوح من قبل إنهم كانوا هم أظلم وأطغى و
المؤتفكة أهوى يا من دمر على قوم لوط
ودمدم على قوم شعيب يا من اتخذ إبراهيم
خليلا يا من اتخذ موسى كليما واتخذ محمد

صلوات الله عليه وآله اجمعين حسبنا
يا موتي لقمان الحكمة ويا واهب لسليمان
ملكا لا ينبغي لاحد من بعده يا من نصر
ذا القرنين على الملوك الجبابرة يا من
اعطى الخضر الحيوة ورد ليوشع بن
نون الشمس بعد غروبها يا من ربط
على قلب ام موسى واحصن فرج
مريم ابنت عمران يا من حصن يحيى بن
زكريا من الذنب وسكن عن موسى
الغضب يا من بشر زكريا بيحيى يا من
فدى اسمعيل من الذبح بذبح عظيم
يا من قبل قربان هابيل وجعل اللعنة
على قابيل يا هازم الاحزاب لمحمد صلى
الله عليه وآله صل على محمد وآل محمد
وعلى جميع المرسلين وعلى ملئكتك المقربين
واهل طاعتك اجمعين واسئلك بكل
مسئلة سئلك بها احد ممن رضيت
عنه فحتمت له على الاجابة يا الله يا الله

يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم
يا ذا الجلال والاكرام يا ذا الجلال والاكرام يا
ذا الجلال والاكرام به به به به به به اسئلك
وبكل اسم سميت به نفسك او انزلته
في شيء من كتبك او استأثرت به في
علم الغيب عندك وبمعاقد العز من عرشك و
بمنتهى الرحمة من كتابك وبما لو ان ما في
الارض من شجرة اقلام والبحر يمده من
بعده سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله
ان الله عزيز حكيم واسئلك باسمائك الحسنى
التي نعتها في كتابك فقلت ولله الاسماء
الحسنى فادعوه بها وقلت ادعوني استجب
لكم وقلت واذا سألك عبادي عني
فاني قريب اجيب دعوة الداع اذا
دعان فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي
لعلهم يرشدون وقلت يا عبادي الذين
اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله
ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور
الرحيم وانا اسئلك يا الهي وادعوك

یا ربّ و ارجوک یا سیّدی و اطمع فی اجابتی
یا مولای کما وعدتنی و قد دعوتک کما
امرتنی فافعل بی ما انت اهله یا کریم
والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد
و آله اجمعین

العبد [illegible] محمد [illegible]
[illegible] ۱۳۰ [illegible]
[illegible]

نماز بجهت قضای حاجت [illegible] دو رکعت است در
رکعت اول بعد از حمد [illegible] مرتبه بگوید و افوض امری
الی الله ان الله بصیر بالعباد و در دوم [illegible] مرتبه
لا اله الا انت سبحانک انی کنت من
الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک
ننجی المؤمنین و در سیم [illegible] مرتبه حسبی الله
و نعم الوکیل و در چهارم [illegible] مرتبه لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم و بعد از سلام [illegible] مرتبه
صلوات بفرستد ایضا بجهت قضای حاجت غسل کند و جامه پاک بپوشد
و چهار رکعت نماز گذارد و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه الله لا
اله الا هو الحی القیوم و در دوم صد مرتبه الم الله

لا اله الا هو الحی القیوم و در سیم صد مرتبه و عنت الوجوه للحی القیوم
و در چهارم صد مرتبه یا حی یا قیوم و بعد از سلام سجده رفته هزار و یک مرتبه بگوید حسبی
الله الکافی پس [illegible] بخواهد که [illegible] روا شود ان شاء الله جهت درد چشم بدامن بنماید و بنویسد
و در چشم بخواند مجرب تراب ابی تراب کحل عینی اذا رمدت یکون
لها شفاء و کشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید
وجوه یومئذ ناضرة الی ربها ناظرة جهت [illegible]
[illegible]

مکتسا [illegible] اه مه اهیا شراهیا

از حضرت رسول خدا منقول است که [illegible] استغفر الله
و اتوب الیه [illegible] اللهم اغفر لی و تب علی [illegible]
منقول است که هر که در [illegible] مرتبه بگوید استغفر الله ذا الجلال و الاکرام من جمیع الذنوب
و الآثام خداوند عالم [illegible] استغفر
بخواند استغفر الله الذی لا اله الا هو وحده لا شریک له و اتوب الیه [illegible]
[illegible]
هزار مرتبه سوره مبارکه توحید بخواند [illegible] مرتبه بگوید لا اله الا الله [illegible]
[illegible]

فى كلام سيد الانبياء عليه السلام قد علية فى بيان علم النحو لانه عالم بجميع العلوم وينتهى ردو فخراه

الكلام كلمة ثلثة اشياء اسم وفعل وحرف فالاسم ما انباء عن المسمى والفعل ما انباء عن حركة المسمى والحرف

ما دل على معنى فى غيره لا الاسم والفعل وقال صلوات الله عليه كل فاعل مرفوع وكل مفعول منصوب

وكل مضاف اليه مجرور والنعت والتوكيد والبدل والعطف تابع لما قبلها فى اعرابه وحركته اى رتبة

مجهول الاعراب وقال عليه السلام للاسم اما ظاهر او مضمر او مبهم والفعل اما ماض او مضارع او

امر والكلام ما تمت به الفائدة والجملة ما انضمت باسنادا اصليا وهى فعلية واسمية وقال عليه

يجرى مجرى الفاعل فى الرفع المبتدا والخبر ونائب الفاعل والخبر فى باب ان ولا والاسم فى باب

كان وعسى ويجرى مجرى المفعول المصدر والمطلق والمستثنى والحال والتمييز واسم والظرف بنوعيه

والواقع بعد الواو والمصاحبة وفى الكلام فعل او معناه وللاضافة اما بحرف نحو مررت بزيد او ١٢٩١ تمت غلامها

باسم نحو غلام زيد تمت قراءة العربى فى الفانى ... كل عبد الله التونسى اعلم ... مقامه محمد ...

الم ... سعد الله ... فى ... نوح ولوط ... ومحمد صالح وهود وشعيب

لمولانا [illegible] امير المؤمنين [illegible]

ان الناس قد مالوا الى من عنده مال
ومن لا عنده مال فعنه الناس قد مالوا

وان الناس قد ذهبوا الى من عنده ذهب
ومن لا عنده ذهب فعنه الناس قد ذهبوا

وان الناس منفضة الى من عنده فضة
ومن لا عنده فضة فعنه الناس منفضة

[illegible] ١٢٩١

حق تعالی از زیر عرش خود سفید و بغشته نازل کرد قرار داد و سفید و بغشته از آن ملک خلق کرد و فرمود که بعد از [illegible]
نماید انقدر خلق کرد و تسبیح گفتند بدر ده برابر خلق کرد بار [illegible] خدا فرمود [illegible] ملک [illegible] و بگوید لا تعلیم [illegible]
لا حول و لا قوة الا بالله صلی الله علیه و آله [illegible] گفتند و [illegible] رسول صلی الله علیه و آله فرمود [illegible]
سعد بن معاذ انقدر ثواب آمده [illegible] ثواب [illegible] چه عمل کرده [illegible] سعد [illegible]
در [illegible] حضرت [illegible] شد [illegible] ثواب [illegible] داد [illegible]
اصحاب او گفتند [illegible] چه [illegible] گفت [illegible] عمل [illegible] محبت او [illegible]
با [illegible] رسول فرمود [illegible] برابر [illegible] ثواب [illegible] خدا

[illegible] القرآن

٧٢

وكم لله من لطف خفي
يدق خفاه عن فهم الذكي

اذا ضاقت بك الاحوال يوما
فثق بالواحد الفرد العلي

وكم يسر اتى من بعد عسر
وفرج كربة القلب الشجي

توسل بالنبي فكل خطب
يهون اذا توسل بالنبي

وكم امر تساء به صباحا
وتاتيك المسرة بالعشي

ولا تجزع اذا ما ناب خطب
فكم لله من لطف خفي

در جمع الدعوات مذکور است
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين حسبنا الله ونعم الوكيل
تبارك الله احسن الخالقين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

